

نوشته : سی . ان . کریم امریکائی

ترجمه : سید نصرالله سروش

باستانی ترین تمدن بشر

شش هزار سال قبل دشت دجله و فرات زمین لم یزرع و گرم سوزانی بود که نه گیاهی در آن میروئید نه سنگ و مواد معدنی داشت و نه مصالح ساختمانی ، زمین نفرین شده ای نامیده میشد با این وصف در این دشت متروک بوده که بشر با احتمال قوی اولین تمدن عالی را بوجود آورده است . در این مهد تمدن خط و نوشتن ابداع شد تکنولوژی کشاورزی و معماری و تدوین قانون معمول گردید و شهرهای پر جمعیت ایجاد شد ، شاید فقر طبیعی این سرزمین محرك و موجب چنین اختراعات و ابداعات شده باشد اما شهرت و افتخار این تمدن مرهون مردم فوق العاده آن زمان این دشت است که بنام « سومریان » خوانده میشوند .

بنابر تحقیقات باستانشناسی ساکنین سومر مردمی عملی و واقع بین ، بلند همت مشهور ، باعزم و از لحاظ تکنولوژی مخترع بوده اند ، این مردم سنگ و چوب در دسترس نداشتند ولی با گل و یک نوع نی که در باطلاق کنار رودخانه میروئید عمارت ساختند ، قالب خشت زنی اختراع کردند و شهرهایی با ساختمانهای گل پخته بوجود آوردند ، برای آبیاری از دورود دجله و فرات کانال بزمزارع کشیدند و سرزمین خشک را به بهشت عدن مبدل ساختند ، بمنظور نظم و ترتیب آبیاری حکومت منطقه ای تعبیه کردند و باین طریق وضع مسکن خود را از اجتماعی ساده بدوی بشکل شهر

درآوردند ، خط وزبان اختراع کردند وآن را برالواح گلی ثبت نمودند ، مازاد غله و محصول خود را نزد مردم نواحی دورفرستاده با فلزات و مواد دیگری که احتیاج داشتند مبادله و معاوضه کردند ، در هزاره سوم قبل از میلاد نفوذ فرهنگ و تمدن سومر بر سرتاسر خاورمیانه از هندوستان تا بحر مدیترانه گسترش یافته بود . هیچیک از جنبه های علمی و فرهنگی امروز جهان یعنی ریاضیات ، فلسفه ، ادبیات ، معماری ، تعلیم و تربیت حقوق و سیاست ، و ادبیات عامیانه را نمیتوان یافت که اصول آن تا حدودی مدیون سومریها نباشد .

این طور تصور میشود که سرگذشت مردم سومر و موفقیت ها و کمالاتی که از راه علم و فرهنگ نصیب آنها شده از وقایع مسطور تاریخ باشد اما حقیقت حیرت انگیز این است که تا قریب يك قرن پیش دنیای جدید از سومر و مردم آن بی خبر بود و از تمدن سومریها تا دو هزار سال اطلاعی در دست نبود ، باستانشناسان اطلاعاتی راجع ببا بل و مصر باستان داشتند اما از سومریها که قبل از بابلیها تمدنی داشتند نامی در صفحات تاریخ نبود ، اکنون در نتیجه حفاریات و کشفیات باستانشناسی و نبوغ خود سومریها که خط میخی را اختراع کردند و نوشته هایی که از این خط برالواح گلی بجا گذاشتند اوضاع و احوال آنها بر ما معلوم شده است ، شهرهای سومر و الواح گلی که بخط میخی از زیر خاک بیرون آمده نمودار زندگی اجتماعی این مردم است .

تمدن سومر مبتنی بر کشاورزی و ماهیگیری بوده است ، چرخ ارابه ، گاو آهن و قایق بادبانی از جمله اختراعات آنان است ولی دانش و علوم مهندسی آنان بسیار قابل توجه تر از این ابزارهای اولیه است ، سومریها برای آبیاری کانال کشی و سد بندی میکردند ، آلات و ادوات اندازه گیری و مساحی و نقشه برداری ساخته بودند ، ارقام و اعداد هندسی که مشابه اعداد صحیح و اعشاری ما است ابداع کردند ، کشاورزی آنان روی اصول و تجربیات بوده است ، بریکی از الواح گلی که از زیر زمین بدست آمده

دستورالعمل زراعت نوشته شده است .

اختراعات سومریها در مورد صنایع شامل چرخ کارگاه کوزه‌گری ، ریخته‌گری (مس و برنز) لحیم‌گری ، کنده‌کاری ، پارچه بافی ، سفیدگری و رنگریزی است ، رنگ نقاشی ، چرم ، وسایل آرایش ، عطریات و دارو میساختند . برچند تا ازالواح نسخه‌های دوا ثبت است که نشان میدهد پزشک سومری داروهائی را برای معالجه تجویز میکرده است که از گیاه و مواد غیر آلی ساخته میشده است .

گرچه اقتصاد سومریها بستگی تام بکشاورزی داشته ولی اکثر آنان در شهر زندگی میکرده‌اند ، بسیاری از زارعین گله داران و ماهیگیران با پیشه‌وران ، صنعتگران ، معماران ، پزشکان ، خطاطان ، سربازان و پیشوایان مذهبی در شهر میزیسته‌اند ، اهل حرفه و پیشه‌وران سیار مصنوعات و متاع خود را در بازارهای شهر عرضه و با پول و جنس مبادله میکردند ، پول عبارت از سکه‌هائی مدور یا حلقه‌های فلزی بوده است ، جمعیت هریک از کم و بیش دوازده شهر از ده تا پنجاه هزار نفر تخمین زده میشود ، اطراف هر شهر دیواری کشیده شده بود و دهکده‌هائی در اطراف آن قرار داشت .

جالب‌ترین منظره هر شهر معبد بزرگی بود بشکل زیگورات (۱) که بر زمین مرتفع قرار داشت ، اطاقهائی در داخل معبد برای کهنه و خدام ساخته میشد و ضریحی با طاقچه جای مجسمه رب النوع (بت) بر سر برج معبد بود ، هر شهر يك رب النوع محافظ داشت که مخصوص بخود شهر بود ، شهر ملك طلق رب النوع محسوب میشد مردم هر شهر حکمران یا شاهی برای خود انتخاب میکردند ، در مواقع مهم و خاص مردم در يك محل جمع میشدند و مجمع ازدو طبقه مردم یکی « بزرگتران » و دیگری

۱ - زیگورات معبد برج مانند و هرمی شکل که در شهرهای سومر ، بابل و آشور متداول بوده است . ساختمان داخلی آن از خشت خام و بدنه خارجی از آجر بوده و اغلب نمائی از کاشیهای رنگی داشته است ، برای رسیدن بعبادتگاهی که بر سر برج ساخته میشده سکو یا پله‌های مارپیچ از پائین تا سر برج بردیوار خارجی آن میساختند (مترجم)

« عامه » تشکیل می یافت ، حکمران یا شاهی که برای هر شهر انتخاب میشد (سپس این منصب در خانواده اش موروثی میشد) مسئول دفاع شهر در مقابل هجوم از شهرهای دیگر و متجاوزین بیگانه بود. بمرور زمان حکمران در کسب نفوذ و قدرت و ثروت با پیشوایان متنفذ مذهبی آن شهر رقابت میکرد . شاهان یا حکمرانان ده تا دوازده شهر یا ایالت مستقل سومر همواره برای تسلط بر سرتاسر کشور باهم نزاع داشتند و قسمت مهمی از تدریخ سومر حاکی از کشمکشها و نزاعهای خونین بین ایالات و شهرهای آنست که عاقبت منجر بسقوط آن شده است .

زندگی انفرادی در شهر یا ایالت سومر بطور قابل ملاحظه آزاد و مرفه بوده است ، فقیرترین فرد بهر حال مالك يك مزرعه و یا يك باغ بوده است ، برده فروشی رواج داشته و کسی که مقروض میشد اطفال حتی گاهی کلیه افراد خانواده خود را می فروخت تا قرض خود را ادا نماید اما برده ها هم حقوق قانونی مشخصی داشتند ، می ترانستند بکسب و کار پردازند ، پول بوام بگیرند و آزادی خود را باز خرید کنند (برای متوسط يك برده بالغ قدری کمتر از بهای يك الاغ بوده) ، اکثریت مردم سومر آزاد بودند در پی کسب و جستجوی خوشبختی خود باشند و تحدیدات در این خصوص بحد اقل بود ولی این آزادی برای اطفال نبود ، والدین اختیار تام نسبت باولاد خود داشتند که میتوانند آنها را از ارث محروم کنند و یا ببردگی بفروشند ، موقع ازدواج انتخاب همسر برای فرزند با والدین بود ، با این وصف پدر و مادر در امور زندگی عادی از نوازش و پرورش اولاد کوتاهی نمی کردند و محبت بین طرفین برقرار بود . زنان از حقوق مدنی و قانونی بهره مند بودند از جمله حق مالکیت و اشتغال بکسب و کار ، مرد میتواندست بدلیل نسبة کوچک زوجه خود را طلاق دهد و یا اگر فرزندی بیار نیآورد زن دیگری بگیرد .

اکثر خانواده های سومری در خانه های يك طبقه زندگی میکردند که از خشت

و گل ساخته میشود، هر خانه يك حیاط در وسط و چندین اطاق در اطراف داشت، ثروتمندان خانه‌های دو طبقه داشتند که عموماً دارای ده تا دوازده اطاق بود و دیوارهای اطاق و حیاط از داخل و خارج برنگ سفید بود. اطاق‌هایی نیز برای خدمتگزاران خانواده داشت و در بعضی از خانه‌ها يك عبادتگاه بود، در قسمت تحتانی اکثر منازل يك مقبره میساختند که افراد خانواده پس از مرگ در آن دفن میشدند، سومریها معتقد بودند که ارواح گذشتگان بعالم برزخ میروند که در آن هستی کم و بیش مثل این دنیا ادامه می‌یابد و بهمین جهت هنگام دفن میت ظروف: ابزار، سلاح و جواهر همراه او میکردند، وقتی شاهی یا حکمرانی میمرد چند نفر از خدمتگزاران دربار حتی ارا به مخصوص او را با اسب همراه او دفن میکردند، مردان اغلب ریش خود را میتراشیدند و بعضی ریش بلند میگذاشتند و در موی سرفرق باز میکردند. در دوران اولیه تمدن سومر لباس مردان منحصر بیک دامن گشاد و ردای نمدی بود و بعداً دامنهای بلند و يك شال حاشیه‌دار داشتند که بدور تن می‌پیچیدند و يك سر آن را بر شانه چپ می‌انداختند و بازوی راست عریان میماند، لباس معمول زنان عبارت از شال بزرگی بود که بجز شانه راست تمام بدن را می‌پوشاند، زنها گیسوان خود را می‌بافتند و بدور سر نگاه میداشتند، در جشنها و مراسم مخصوص روستیهای که با مهره گل و بوته دوزی شده بود بسر میکردند، موسیقی رل مهمی در زندگی روزانه سومریها داشت که در خانه و مدرسه و معبد می‌نواختند - چنگ و بر بطنهای زیبایی در مقبره‌های شاهی در اور (۱)

۱ - اور شهر باستانی سومر در بین النهرین که در حدود ۱۰ مایل فاصله در مغرب بستر فعلی رود فرات واقع و مرکز عمده فرهنگ سومر بوده است، در توریة بنام اور کلد و وطن حضرت ابراهیم نامیده شده است. سرلئونارد ولی Sir Leonard Whoolley رئیس هیئت حفاری موزه بریتانیا و موزه دانشگاه پنسیلوانی در بین النهرین که بعد از جنگ بین الملل اول حفاریات و کشفیات در اور نموده در سال ۱۹۲۹ کتابی بنام «سومریها» نوشته و منتشر نموده است، مشارالیه قبل از نوشتن این کتاب دیگر کتاب دیگری بنام «سومریها» نوشته بود که در آن تاریخ و کمالات و موفقیت های مردم سومر را شرح داده است. (مترجم)

یافته شده است ، ضمن تحقیق معلوم شده است طنبور ، نی های طبیعی و فلزی همچنین نوت آهنگهای موسیقی که برالواح ثبت است در سومر معمول بوده است ، موسیقی دانهها از جمله شخصیت های دربار شاهی و معابد بودند - اما سهم عمده ای که سومریها در تمدن بشری داشته اند اختراع خط است ، خط میخی قدیمی ترین وسیله نوشتن در تاریخ بشر شناخته شده است ، این خط تا حدود دو هزار سال (حتی مدت مدید پس از نابود شدن خود سومریها) وسیله مخابره کتبی در سرتاسر مناطق غربی آسیا بوده است . بدون شك اگر خط میخی نبود پیشرفت فرهنگ بشر مدتها بتاخیر میانجامید .

حروف خط میخی دراول عبارت از تعدادی علامات تصویری بود که اداره کنندگان معابد برای ثبت منابع عایدی و فعالیت های معبد تعبیه کردند و این علامات را با قلم نی بر لوحه گلی می نوشتند و بهمین جهت بشکل میخ درآمد ، سپس طی قرنهای دانشمندان و متفکرین سومر آن علامات را باشکال (حروف) صدادار که نمودار کلمه یا سیلاب شد درآوردند ، متجاوز از نود درصد لوحه های گلی که در سومر از زیر خاک بدرآمده دارای نوشته های مربوط بامور اقتصادی ، قانونی و اداری است ولی بر روی قریب پنج هزار از این لوحه ها قطعات ادبی ، اساطیر و داستانهای رزمی ، سرود روحانی ، مرثی ، حکایات و امثال ثبت است ، این لوحه ها نموداری از ادبیات باستانی شناخته شده هستند که در حدود هزارسال پیش از ظهور ایلیاد و توریة عبرانی تاریخ دارد ، الواح مزبور همچنین شامل ثبت تعدادی کتب درسی است که اسامی درختان ، پرندگان ، حشرات ، مواد معدنی ، شهرها ، کشورها وغیره است ، براین الواح حکایاتی نیز از وقایع گذشته نوشته شده است که در حقیقت ثبت تاریخ توسط بشر باستانی محسوب میشود .

در نتیجه اختراع خط در سومر اولین روش رسمی تعلیم بوجود آمد درحقیقت این پدیده نشانی دیگری از پیشرفت قوای ذهنی و فکری انسان اولیه است ، ابداع

مدارس « حرفه‌ای » برای تعلیم و تربیت خطاط - منشی و مدیر در سومر بمروور زمان موجب شد دانشمندان و علما و شعرا زندگی خود را وقف آموختن و تدریس در این مدارس بنمایند، مدیر یا رئیس این مدرسه « پدر مدرسه » و شاگردان « پسران مدرسه » نامیده میشدند ، معلمین مدرسه شامل « مرد رسم » « مرد زبان سومری » و « مرد شلاق » بودند . تنبیه بدنی در این مدارس معمول بود ، برنامه مدرسه شامل نوشتن و از حفظ کردن لغات و اسامی نوشته برالواح ، مطالعه و ادراک حکایات منظوم ، خواندن سرود روحانی و قطعات ادبی و غیره و آموختن ریاضی و حل مسائل هوشی و هندسه بوده است ، ظاهراً وضع معلم سومری بی شباهت بوضع همکاران امروزی او نبوده است ، حقوقی که بمعلم داده میشد ناچیز بوده و مردم با نظری آمیخته با احترام و تحقیر با او مینگریستند. مردم سومر متجاوز و متعددی بودند و بجمع ثروت و کسب شهرت و حیثیت اجتماعی حریص - بطوریکه از الواح مکشوفه استنباط میشود بحساب بیشتر از کسب دانش توجه داشتند .

پایان